

## قم در دو قرن نخست هجری:

شهر باستانی قم، که احیای آن را بعد از آن که به دست اسکندر ویران شد به قباد ساسانی نسبت می‌دهند، به سال ۲۳ قمری، به دست اعراب فتح شد. با مهاجرت گسترده‌ی شیعیان به قم در پایان سده‌ی سوم این شهر، به شهری شیعی مذهب بدل شد و این تحول مذهبی موجب شکوفایی آن شد. در مقاله‌ی حاضر ضمن اشاره‌ای گذرا به موقعیت جغرافیایی و جغرافیای تاریخی قم در عهد باستان و قرون اولیه‌ی هجری، به چگونگی فتح این شهر توسط اعراب مسلمان پرداخته شده و پیامدهای سیاسی، مذهبی اجتماعی ناشی از استقرار قبایل عرب شیعی در این شهر طی قرن‌های اول و دوم هجری مورد بررسی قرار گرفته است.

جغرافیای تاریخی قم:

شهر مذهبی قم که امروزه در ۱۴۵ کیلومتری جنوب شهر تهران بر سر جاده‌ی تهران - اصفهان واقع است ۲ از نواحی قدیمی ایالت ماد یا جبال بوده است. در دوره‌ی ساسانی، قم یکی از نواحی اصفهان بود. قباد (د:۵۲۱م)، اصلاحات مذهبی و عمرانی زیادی در این منطقه انجام داد که باعث توسعه‌ی ارضی و فرهنگی و سیاسی ناحیه‌ی قم شد. این اصلاحات قم را به صورت یکی از بهترین و آبادترین مواضع در مملکت قباد درآورد.

از جمله اقدامات قباد اصلاحاتی در ادغام آتشکده‌ها و کاستن تعداد آنها بود. او آتش آذرچشنسف را در قم حفظ کرد. آتش آذرچشنسف، در آتشکده‌ی مزدجان تا اواخر قرن سوم قمری همچنان دوام آورد، تا این که به سال ۲۸۲ قمری برون / بیرون ترکی این آتشکده را ویران ساخت و آتش آن خاموش گردید. ۶ تا نیمه‌ی اول قرن دوم قمری همچنان حدود ۳۰ آتشکده در قم وجود داشت. ۷ تحقیقات جدید نیز مطالب فوق را تأیید

می‌کند. ماکسیم سیرو می‌نویسد:

بنابر روایات، شهر قم را که همیشه مرکز مهم ارتباطات بوده، حلقه‌ای

از آتشگاه‌ها در بر می‌گرفته است. او به بقایای چندین آتشکده در قم

اشاره کرده است. ۸.

سابقه‌ی دو آتش مهم دین زردشتی، آتش مهرین و آتش آذرچشنسف،

در قم، حاکی از اهمیت مذهبی و فرهنگی قم در دوره‌ی ساسانی است.

قم این موقعیت خود را تا پایان قرن اول قمری تا حد زیادی حفظ کرد. هنوز

يك قرن از اصلاحات مذهبی قباد در ایران، که بخش مهمی از آن در قم

انجام شد، نگذشته بود که دین مبین اسلام ظهور کرد.

از دیگر اقدامات قباد، کارهای عمرانی و توسعه‌ی ارضی قم بود. به

نوشته‌ی حمزه اصفهانی (د: ۲۶۰ق) ۹ اصفهان، استانی به نام ری

داشت. قباد، استان دیگری بر آن افزود و آن را استان «ایران‌وئارث‌کواد»

نامید؛ چون ناحیت قم در غایت خرابی بود و به دست قباد ساسانی آباد

شد، «ویران آباد کرد قباد» نام گرفت. ۱۰ سرانجام استان ایرانوثرارتکواذ دوره‌ی ساسانی، در اواخر قرن دوم قمری، به صورت چند دهستان کوچک تابع شهر قدیمی قم که بسیاری از منابع اسلامی ۱۱ آن را به غلط شهری اسلامی معرفی کرده‌اند، درآمد.

## بنای اولین مساجد:

بسیاری از این آتشکده‌ها ویران گردید و به جای آن مسجد ساخته شد. در محل یکی از آنها در قم، مسجد عتیق ساخته شد. ۱۲ فقط آتشکده‌ی مزدجان، به دلیل واقع شدن در منطقه‌ی کوهستانی و سکونت عده‌ی قابل توجهی از مجوس در مسیر آن، تا اواخر قرن سوم قمری دوام آورد. ۱۳ نویسنده‌ی تاریخ قم درباره‌ی بنای اولین مسجد در قم می‌گوید:

نخستین مسجد که بدین ناحیت نهادند، مسجدی بود که در قریه‌ی جمکران بنا شد. اعراب بنی اسد، در اطراف این مسجد منزل گرفتند.

سعیدبن جبیر، صحابی معروف پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم نیز ۶

ماه در جمکران نزد این اعراب به سر برد. ۱۴.

مسجد جامع جدید توسط ابوالصدیم، در سال ۱۹۶ قمری بنا

شد. ۱۵. مسجد دیگری به نام مسجد «سعدآبادی»، در بازار قم بوده است

که در آن نماز جمعه می‌خوانده‌اند. ۱۶. محل اقامت و عبادت حضرت

معصومه‌علیها السلام در قم نیز از آثار معروف بوده است. حسن بن محمد

بن حسن قمی (د: ۳۷۸ق) می‌نویسد:

آثار محراب عبادت حضرت معصومه‌علیها السلام، هنوز در قم باقی

است ۱۷. که بعدها به «ستیه» معروف شد. ۱۸.

به نوشته‌ی یعقوبی (د: ۳۷۸ق)، قم مجموعه‌ای از دو شهر بزرگ

منیجان و شهر کوچک کمیدان بوده است. ۱۹. همو شهر قم یا کُم دوره

ساسانی را شهر قدیمی منیجان دانسته است. ۲۰. حسن بن محمد بن

حسن قمی (د: ۳۷۸ق) نیز، با تصریح به این مطلب، از منیجان به عنوان

خود شهر قم یاد کرده است. ۲۱. به گفته‌ی یعقوبی، وجود هزار گذر و

کوچه و ده‌ها میدان و چندین پل در منیجان که، در دوره‌ی اسلامی مرکز

شهر قم و محل سکونت بزرگان و اشراف عجم بوده، حاکی از عظمت

شهر قم است؛ و همو، به یکی از دژهای عجم در منیجان اشاره کرده

است. ۲۲

## اهمیت جغرافیایی قم در ناحیه‌ی جبال:

واقع شدن قم بر سر جاده‌ی خراسان، که مسیری تجاری و راه

کاروان‌های حج بود، باعث رونق تجارت در قم بود. اصطخری ۲۳ می‌نویسد:

از دروازه چین‌ری، به سوی قم می‌روند. ابودلف ۲۴ در سفر خود به

ماوراءالنهر، از این راه، از قم به ساوه رفت. همسایگی قم با ری، که

همه‌ی راه‌های بزرگ بازرگانی دنیا به آن ختم می‌شد، باعث رواج

بازرگانی در قم بود. ۲۵

شهر قم در قلب کویری وسیع، همواره بزرگ‌ترین نقش را در دایر ننگه

داشتن خط مواصلاتی بین جنوب و شمال ایران به عهده داشته است.

پرورش اسب‌های برید در قم ۲۶ بدین منظور بوده است. یعقوبی  
می‌نویسد: ۲۷ و راه‌ها به ری و اصفهان و کرج و همدان از قم جدا  
می‌شود. دیر گچین که توسط انوشیروان در قم ساخته شده بود، ۲۸ نقش  
مهمی در حرکت کاروان‌ها داشت. بدون وجود این کاروان‌سرا عبور از بیابان  
بین قم و ری امکان‌پذیر نبود. ۲۹

## تمصیر قم و مهاجرت اعراب

گزارش منابع عربی از روند تمصیر [شهر شدن] قم، مقارن با کوچ مداوم  
دسته‌های عرب، حاکی است که سرانجام این امر منجر به غلبه‌ی عنصر  
عرب بر عجم و اسکان آنها در این نقطه از ایران شد. اوج این غلبه که  
هم‌چنان با ورود عرب همراه بود، نقطه عطفی در ارتقای شهر قم در  
سازمان سیاسی و تقسیمات منطقه‌ای دستگاہ خلافت عباسی به  
حساب می‌آمد. اولین گروه‌های عرب، به فرماندهی ابوموسی اشعری، در  
سال ۲۳ قمری، با جنگ و زور ناحیت قم را فتح کردند. ۳۰ اعراب بنی اسد

نیز، از اولین دسته‌های عرب بودند که در جمکران قم سکونت گزیدند. ۲۱  
هجوم گسترده‌ی اعراب اشعری به قم، همراه با اقداماتی بود که آنها  
برای کسب سلطه‌ی کامل بر همه‌ی منابع مالی و اقتصادی بر مردم  
بومی قم انجام دادند؛ از جمله‌ی این کارها قتل‌عام سران مجوس بود. با  
توجه به مطالب مزبور، می‌توان ورود اعراب اشعری در سال ۸۵ قمری به  
قم را فتح دوم این شهر به حساب آورد. ۲۲ اعراب اشعری در طی يك قرن  
، اقدامات زیادی در جهت تحول قم از يك پادگان‌شهر عربی به صورت يك  
شهر عربی انجام دادند.

حمزة بن الیسع اشعری، به سال ۱۸۹ قمری نظر موافق هارون، در  
مورد کوره قراردادن قم را به دست آورد. ۲۳ در حقیقت اعراب اشعری، به  
عنوان اقطاع داران دولت عباسی در قم درآمدند. حمزة بن الیسع اشعری،  
در قم منبر نهاد. پسر او یسع بن حمزه، با انجام اولین مساحی قم،  
استقلال جغرافیایی آن جا را محقق ساخت. در این مساحی، همان



مرزهای استان ایران‌نوارث کواذ دوره‌ی ساسانی ملحوظ گردید و قم به بیش‌ترین حد توسعه‌ی ارضی خود رسید. این شهر، از نمونه‌های بارز توسعه‌ی شهری در قرن سوم قمری است. در این قرن، قم به صورت يك شهر آباد و معتبر شیعی در آمد.

## توسعه‌ی قم در روایات ائمه‌علیهم السلام:

توسعه‌ی قم در روایات ائمه‌علیهم السلام به صورت پیش‌گویی آمده است. حسن بن محمد بن حسن قمی می‌نویسد: در روایات شیعه آمده است که قم در عمارت، کثرت مردم، قیمت زمین آن، به نوعی برسد که آن مقدار که اسبی را بر آن بیندند، به هزار درهم باشد. در این روایات، تعبیری چون «زهراء»، «کوفه کوچک»، ۳۴ «تکیه گاه قائم آل محمدعلیهم السلام»، ۳۵ «محل انتظار کشیدن قائم آل محمدعلیهم السلام»، ۳۶ «محل امنیت و راحت مؤمنان»، ۳۷ «معدن آل محمدعلیهم السلام»؛ ۳۸ «بحر»؛ ۳۹ «قطعه‌ای از بیت المقدس»؛ ۴۰ «آشیانه آل محمدعلیهم

السلام»، ۴۱ «مأواى فاطميين» ۴۲ به شهر قم اطلاق شده است.

شاخص‌ترین آنها، نام «زهرا» است که حضرت على‌عليه السلام در مورد قم پیش‌گویی کرد؛ و قم را شهری که محل خروج بهترین مردم از حیث نسب است، معرفی کردند. ۴۳ واقعتاً سفر حضرت معصومه‌عليها السلام و مهاجرت‌های آل ابی طالب به قم، در آغاز قرن سوم قمری، مفاد این روایات را تأیید می‌کند و آن را از انتقاداتی که بر مجموع روایات مربوط به فضایل شهرها وارد شده است، مستثنی می‌سازد و نیز مطالبی که در منابع معتبر جغرافیایی در مورد آبادانی قم آمده است، به نوعی مفاد روایات مزبور را تأیید می‌کند.

مقدسی (د: ۳۷۵ق)، قم را یکی از زیباترین شهرهای جبال دانسته است. ۴۴ کلام او گویای روند موفق توسعه‌ی شهر قم است. گزارش‌های متناقضی در مورد تعداد رساتیق قم وجود دارد. این اختلاف، گویای تجدید حیات و آبادانی در منطقه‌ای است که در قرن اول و دوم قمری، يك دوره

ویرانی را تجربه کرده است.

## پیدایش شهر جدید قم:

شهر قم، چنان که ذکر شد، از دیرباز موقعیت يك شهر بزرگ را در دوره‌ی ساسانی کسب کرده بود، اما با ویرانی‌های متعددی که در اثر مهاجرت اعراب به وجود آمد، يك مرکز تجمع جمعیتی با بافت «روستا - شهر»، در این منطقه شکل گرفت. ۴۵ گزارش تاریخ قم، ۴۶ از تعداد قابل توجهی از آبادی‌ها در این ناحیه، حاکی از این مطلب است. مهاجرت اعراب و سپس دسته‌ای خاص از آنها، یعنی طالبیان، که فرهنگ تشیع را با خود به همراه آوردند، توسعه‌ی جدید شهر قم را با تحول بزرگ فرهنگی در این منطقه از جبال، مقرون ساخت. شهر قم در شکل جدید خود، با همان عناصر مادی معماری ایرانی و در چارچوب فرهنگ و هنر ایرانی شکل گرفت؛ مساجد متعددی ساخته شد و رعایت قبله در ساخت خانه‌ها و سایر اماکن و نامگذاری مراکز و معابر و میادین شهر به نام‌های اسلامی، باعث

شد که شهر قم در نیمه‌ی اول قرن سوم قمری، چهره‌ی اسلامی به خود گرفت. تاریخ قم از ۵ پل و ۷ میدان نام می‌برد که به نام بزرگان عرب اشعری بود؛ ۴۷ با وجود این، آثار عجم در قم همچنان چشم‌گیر بود. به برخی از این آثار اشاره می‌کنیم: ساختمان «دیر گچین» که در اکثر منابع اسلامی از آن نام برده شده است، ۴۸ ایوان و درگاه بزرگی که بزرگ‌ترین بنای عجم بعد از ایوان مدائن بوده است ۴۹ آثار «قلعه‌ی یزدان افشان»، ۵۰ «قلعه‌ی جمکران»، ۵۱ «دژ باذان» [صاحب یمن]، ۵۲ زندان‌ها، ۵۳ مساجد، ۵۴ محل دواوین و اماکن دولتی ۵۵ و محل استقرار والیان که در سراهای به جا مانده از بزرگان عجم برپا شده بود، ۵۶ از شهر قم همواره به عنوان شهر دارای برج و بارو و دیوار نام برده‌اند. ۵۷ دیوار قم به سال ۲۱۰ قمری به دست علی بن هشام، فرستاده‌ی مأمون، خراب و با خاک یکسان گردید. ۵۸ تاریخ قم از دروازه‌ها و راه‌های متعدد قم نام برده است؛ معروف‌ترین آنها راهی بود که از دروازه‌ی خراسان به قم

می‌رسید ۵۹ و قم را در مسیر جاده‌ی معروف خراسان قرار می‌داد.  
خانه‌های آجری قم، به ویژه سرداب‌های قم، دارای شهرت تاریخی  
است. ۶۰ و کاربرد تزیینات نقاشی و تزیینات زیبای آجری در سراهای آنها  
رایج است. ۶۱ طبقات اشراف آل سعد، سراهای بسیار زیبایی احداث  
کرده بودند ۶۲ و پل‌های مستحکم ۶۳ با یازده طاق و برج و بارو و  
کوشک‌های استوار در قم بنا می‌شد. ۶۴

## بقایای فرهنگ بومی در قم:

چنان‌که اشاره شد، قم از دیرباز در بین شهرهای ایران موقعیت  
فرهنگی مهمی داشت. تاریخ قم در مورد اولین ملاقات عبدالله و احوص  
اشعری، رؤسای اولین دسته‌ی اعراب اشعری که به قم آمدند، با  
مخسرهان، پسر یزدانفار، در اواخر قرن اول قمری می‌نویسد: مخسرهان،  
با گروهی از اهل کتاب و قلم به استقبال این دو رفتند. ۶۵ این مطلب  
نشان می‌دهد که طبقه‌ای از دبیران ساسانی و دهقانان عجم در قم به

سر می‌بردند. وجود دیوان آب و دیوان خراج و ثبت مسائل مربوط به آن، نیاز به دبیرانی مجرب را ایجاب می‌کرد و با وجود غلبه‌ی عرب، هنوز تا نیمه‌ی قرن چهارم، اصطلاحات بومی مربوط به دیوان خراج و دیوان آب به زبان فارسی و به گویش قمی، رایج بود. ۶۶ تقویم یزدجردی ۶۷ در کنار تقویم قمری در قم معمول بود و در همه‌ی امور دیوانی و حساب‌رسی و انواع معاملات به کار می‌رفت. مردم قم بسیاری از آداب و رسوم ملی را حفظ کرده و زندگی خود را با اجرای برخی از این مناسبت‌ها و اعمال و رسوم می‌گذراندند. ۶۸ همه‌ی مشاغل و اصنافی که لازمه‌ی بافت يك شهر است، در قم مشغول به کار بودند. اصطلاحات بومی بسیاری در اطراف این مشاغل وجود داشت که در کتاب تاریخ قم به آنها اشاره شده است. در فهرست تاریخ قم از منجمان، ۶۹ قومشان، ۷۰ بنایان، گچکاران، ۷۱ مسّاحان، ۷۲ نقّاشان، ۷۳ کاروان‌داری، ۷۴ اهل بازار، ۷۵ سازندگان کالاهای مختلف، ۷۶ پرورش دهندگان اسب، ۷۷ نجاران، ۷۸ صنعتگران، ۷۹ صرّافان، ۸۰

دبیران و کاتبان ۸۱ یاد شده است. بهره برداری از معادن گچ و آهک و تولید

انبوه آجر نیز از جمله مشاغل رایج در قم بود. ۸۲

## کشاورزی قم:

دشت وسیع و حاصلخیز و آب کافی، قم را به صورت قطب محصولات

کشاورزی در منطقه‌ی جبال در آورده بود؛ چنان‌که این دشت به «کبود

دشت» معروف شده بود. ۸۳ یعقوبی می‌نویسد: قم در مرغزاری وسیع به

اندازه‌ی ده فرسخ است. ۸۴ بنا به گزارش برخی از منابع ۸۵ انبوهی از

باغ‌ها و درختان میوه و درخت پسته و فندق و زیتون و کشتزارهای وسیع

آبی، ۸۶ قم را به صورت شهری خرم و سرسبز در آورده بود. کشاورزی قم

دایر و پر رونق بود. انواع سبزی و میوه در آن جا تولید می‌شد. ۸۷ گردو،

پسته، فندق، بادام، زیتون ۸۸ و به ویژه زعفران، از اقلام مهم محصولات

کشاورزی قم بوده است. ابن عبدربه (د: ۳۲۸ق)، ۸۹ و صاحب کتاب حدود

العالم ۹۰ صدور زعفران از قم را تأیید کرده‌اند. زعفران قمی در متون قدیم

پهلوی ذکر شده است ۹۱ و ثعالبی (د: ۴۲۹ق) به آن اشاره دارد. ۹۲  
ادریسی (د: ۵۴۸ق) به کثرت محصول پسته و فندق قم و صدور آن به  
نقاط مختلف تصریح کرده است. ۹۳ حمیری می‌نویسد: در این نواحی، تنها  
در قم پسته و فندق وجود دارد. ۹۴

## وضع اقتصادی و محصولات:

حاصل گزارش‌های متعدد و متناقض در مورد معیشت مردم قم نشان  
می‌دهد که سطح زندگی مردم در شهری که زمانی آن را از شدت  
سرسبزی کبود دشت می‌نامیدند، ۹۵ در اثر ستم اقوام مهاجم، به ویژه  
تجاوزات مستمر خلافت عباسی و ویرانی‌های ناشی از آن در طی سه  
قرن نخست قمری، دچار نوسانات فاحش اقتصادی بوده است. ۹۶  
دعبل  
در شعر خود از کرامت و عزت مردم قم در عین فقر یاد کرده است. ۹۷  
اصطخری (د: ۳۴۶ق) می‌نویسد: مردم قم تنگ معیشت باشند. ۹۸  
مقدسی ۹۹ و ابن حوقل (د: ۳۶۷ق) ۱۰۰ و حسن بن محمد بن حسن



قمی، ۱۰۱ به وسعت معیشت مردم قم اشاره دارند. قم در میان سه قطب

بزرگ صنعت سفالسازی، یعنی ری، کاشان و ساوه واقع شده بود و

صنعت سفالسازی در آن رواج داشت ۱۰۲ تاریخ قم به وجود کارخانه‌های

متعدد در قم اشاره دارد. ۱۰۳ بافت انواعی از پارچه‌ی دیبا ۱۰۴ و

کرباس ۱۰۵ در قم رایج بود. بازار قم محل رفت و آمد مسافران بود. تاریخ قم

از بعضی سراهای این بازار، از جمله سرای لگام‌سازان نام برده

است. ۱۰۶ در این بازار نماز جمعه برگزار می‌شده است. ۱۰۷

مقدسی (د: ۳۷۵ق)، ۱۰۸ به صدور بز، ۱۰۹ صندلی و لگام اسب و

زعفران فراوان از قم اشاره دارد. محصولات کشاورزی از اقلام عمده‌ی

صادرات قم بود که به آن اشاره شد. نمک از جمله اقلام صادراتی قم بود

که از کوه ملاحه استخراج می‌شد ۱۱۰ یعقوبی، به این کوه اشاره

دارد. ۱۱۱

## نظام آبیاری و دیوان آب:

اهمیت دیوان آب قم به حدی است که منابع، تنها به دو دیوان آب در شرق اسلام: قم و مرو ۱۱۲ اشاره دارند. رواج کشاورزی و مشاغل مربوط به آن باعث تشکیل دیوان آب مستقل و گسترده در قم شد. ۱۱۳

گزارش مفصل تاریخ قم از چندین کاریز و جوی و رود در قم نشان می‌دهد که به میزان کافی آب برای کشاورزی و شرب در آنجا وجود داشته است. ۱۱۴ آسیاب‌های آبی زیادی در قم وجود داشت که برخی از آنها همچنان تا نیمه‌ی دوم قرن چهارم قمری دایر بوده است. ۱۱۵

اصطخری می‌نویسد: آب رودخانه‌ی بزرگ قم، در بهار و تابستان جاری بوده است. ۱۱۶ شبکه‌ی منظمی از کاریزها در قم جریان داشت. ۱۱۷ آب شرب مردم قم از طریق چشمه‌هایی که در شبکه‌ای از کاریزها جاری بود، تأمین می‌شد. ۱۱۸ از جمله منابع تأمین آب شرب مردم قم استفاده از برکه‌هایی بود که آب باران را در آن ذخیره می‌کردند. ۱۱۹ و منبع مهم‌تر تأمین آب شرب مردم قم، مخازن مخصوصی بود که در آن برف و یخ و آب

باران و چشمه‌ها را ذخیره می‌کردند. ۱۲۰ تاریخ قم ، عمر مفید کاریزها را تا پایان روزگار عجم دانسته است. دخالت اعراب در مسائل آب قم از عوامل مهم تخریب نظام آبیاری قم بود. تاریخ قم در مورد نزاع احوص اشعری با دهقانان قم و نواحی آن به طور مبسوط سخن گفته است. ۱۲۱

## اوضاع سیاسی قم:

هارون الرشید، برای انجام اصلاحات و مقابله با شورش‌ها و توطئه‌هایی که در ایران جریان داشت، به سال ۱۸۹ قمری عازم ری شد. ۱۲۲ او در جمادی الاولی آن سال در آن جا فرود آمد و به مدت چهار ماه در آن شهر توقف کرد. دولت عباسی از ارتباطات مستحکمی که بین بزرگان قم و صادقین‌علیهم‌السلام و امام کاظم‌علیه‌السلام برقرار شده بود، آگاهی داشت. از نیمه‌ی دوم قرن دوم قمری ائمه‌علیهم‌السلام سازمانی از نمایندگان و وکلای خود را در قم سامان دادند.

منابع از ارتباط مالی و فرهنگی مردم قم با ائمه‌علیهم السلام خبر داده‌اند و آنها را اولین کسانی معرفی کرده‌اند که خمس و هدایای بسیاری برای ایشان فرستادند. ۱۲۳ از جمله افرادی که مورد عنایت امام صادق‌علیه السلام بود عمران بن عبدالله قمی بود. ۱۲۴ منابع رجالی از تعداد زیادی از اصحاب و یاران امام رضاعلیه السلام نام برده‌اند که برخی از آنها به طور مستقیم مورد حمایت و توثیق امام‌علیه السلام قرار می‌گرفتند. از شاخص‌ترین این چهره‌ها از زکریا بن آدم ۱۲۵ و یونس بن عبدالرحمن ۱۲۶ به عنوان وکیل خاص امام رضاعلیه السلام نام برده شده است؛ همچنین از برخی از افراد نام برده‌اند که اموری را در رابطه با امام‌علیه السلام (مانند امور مالی) انجام می‌داده‌اند. کتاب اختصاص از درگیری دو نفر به نام‌های میمون بن یوسف النحاس و مسافر از وکلای امام رضاعلیه السلام در مسئله‌ی مالی یاد کرده که اختلاف آنها را زکریا بن آدم، حل کرده است. ۱۲۷

تجمع طالبیان در قم و فعالیت‌های آنها در آنجا، دولت عباسی را به شدت نگران می‌ساخت و آنها را مجبور می‌نمود برای جلوگیری از ادامه‌ی تحرکات طالبیان در قم دست به اقداماتی بزنند. عنایت زیاد رشید به قم، با توجه به جایگاه ممتاز این شهر در جغرافیای سیاسی منطقه بود؛ قم در همسایگی ری [محمدیه] قرار داشت و این موقعیت مهم ایجاب می‌کرد دولت عباسی سیاست فعالی را درباره‌ی آن اتخاذ کند.

## بحران خراج:

از جمله اقدامات هارون برای اعمال منظم و عادی سلطه‌ی خود در قم، رسمیت بخشیدن به ذراع رشیدی به جای ذراع شابوری ۱۲۸ و جداکردن دیوان قم از اصفهان و الحاق آن به دیوان ری بود. ۱۲۹ بحران قم تابع بحران خراج و بحران قدرت در دستگاه خلافت عباسی بود. دستگاه خلافت، همواره از نیروی نظامی ری و اصفهان و ساوه برای سرکوب مردم قم بهره می‌گرفت. عبدالله بن کوشید، حاکم اصفهان، در کسب خراج قم با

شکست مواجه شد و عزل گردید؛ ۱۲۰ لذا هارون یکی از خدمت‌گزاران دولت عباسی، به نام حمزة بن یسع اشعری را در قم صاحب اختیار گردانید ۱۲۱ وی به هارون قول داد، مردم قم را مطیع خلیفه سازد. خلفای عباسی از طریق اعراب اشعری، مقاصد اداری و مالی خود را در قم تحمیل می‌کردند.

به دلیل درآمد سرشار قم، که به همین سبب اعراب از آغاز ورود به قم آن را «ماه‌البصره» نامیدند، ۱۲۲ کارگزاران خلافت عباسی، سیاست حجاج را در مورد گرفتن خراج از قم پیشه کردند. در طی قرن سوم با چندین لشکرکشی به قم، هشت بار آنجا را مساحت کردند. ۱۲۳ این اقدامات، اوضاع اقتصادی و اجتماعی قم را دچار آشوب و اضطراب دائمی نمود. نوسانات فاحشی که در منحنی مبلغ خراج قم در قرن سوم وجود دارد، حاکی از این مطلب است. با مرگ هارون (۱۹۳ق)، بحران خراج به طور موقت فروکش کرد و تحت تأثیر حوادث ناشی از جنگ امین و مأمون قرار

## آثار جنگ امین و مأمون در ناحیه قم:

چند لشکرکشی و جنگ بزرگ در اطراف قم، این منطقه را به صورت يك ناحیه‌ی بسته‌ی نظامی درآورده بود. در این جنگ‌ها، مقدمه‌ی سپاه امین مدتی در ساوه مستقر شد ۱۳۵ و همه‌ی رفت و آمدها را تحت کنترل خود درآورد. حکومت مرو نیز، دستور حفاظت شدید از مرزهای جبال را صادر کرد و هرگونه عبور و مرور را تنها با مجوز و همراه با تفتیش کامل و

بازرسی مجاز شمرد. ۱۳۶

در روایتی از امام صادق علیه السلام، تصویری از آنچه در این روزگار در اطراف قم در حال روی دادن بود، ارائه شده است. در این روایت، ۱۳۷ سخن از مقابله‌ی شمشیرهای خراسان با بغداد در نزدیکی ری است. در طریق این روایت، عبد الله بن سنان وجود دارد که او این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. همه‌ی منابع رجالی شیعه او را

توثیق کرده و از اصحاب جلیل‌القدر امام صادق علیه السلام

شمرده‌اند. ۱۳۸ متن روایت نیز، مؤید به شواهد متعدد تاریخی، یعنی وقوع حادثه‌ی جنگ بین امین و مأمون است که در حقیقت رویارویی نیروهای بغداد و خراسان بود. صرف نظر از متن و سند، این حدیث خود به نوعی، توصیف آن حادثه‌ی تاریخی است و تفسیر و تعبیر خاص شیعی از حادثه‌ی مزبور را می‌رساند و نشان می‌دهد که شیعیان منتظر وقوع چنین حادثه‌ای برای بهره‌برداری مناسب از آن بوده‌اند.

سپاه خراسان در حدود ری، در ده «کاواص»، در ۵ فرسخی آنجا، مستقر شده بود. ۱۳۹ مأمون به سال ۲۰۳ قمری، در اجرای سیاست جدید خود، طوس را ترك کرد و در ذی‌الحجه ۲۰۴ قمری وارد ری شد. ۱۴۰ او چند روز در ری به سر برد. مردم ری سپاه او را در جنگ با امین حمایت کرده بودند و او دو میلیون درهم از خراج آنها کاسته بود. ۱۴۱ در این سفر او با شورش و بی‌توجهی مردم قم روبه رو شد و درخواست مردم قم،



مبنی بر کاستن مقدار خراج آن شهر را رد کرد؛ لذا او طاهر را در سرکوب شورش‌ها، صاحب اختیار کرد که از جمله مأموریت‌های طاهر، تعقیب طالبیان بود؛ سیاستی که فرزندان او نیز آن را ادامه دادند. ۱۴۲ او مناطق جبال، فارس، اهواز، بصره، کوفه و یمن را با جنگ مطیع مأمون ساخت. ۱۴۳ مأمون سرانجام سپاه بزرگی را به فرماندهی علی بن هشام، برای سرکوب مردم به قم فرستاد و عجیف بن عنبسه را برای پشتیبانی او اعزام کرد.

## قیام مردم قم و خلع مأمون:

اعزام سه لشکر بزرگ، به علت وقوع قیامی بزرگ در قم بر ضد خلافت عباسی بود. قتل امام رضاعلیه السلام، و قتل عام کاروان حضرت معصومه‌علیها السلام به دست نیروهای مأمون در حد فاصل قم و ساوه و بی‌اعتنایی مأمون به درخواست‌های مردم قم در مسأله‌ی خراج، از انگیزه‌های این قیام بود و باعث شد مردم قم مأمون را از خلافت خلع

کنند. یحیی بن عمران ، ریاست قم را به طور خودسر به دست گرفت و علیه دولت عباسی شورید. این قیام، با لشکرکشی بزرگ مأمون، به شدت سرکوب شد. یحیی بن عمران با خیانت برادران عرب خود مواجه شد و نیروهای مخالف دولت عباسی، اطراف او را خالی کردند و در اثر تبلیغات مسموم موالی بنی عباس در قم، مردم از حضور در کنار او منصرف شدند. ۱۴۴ او در برابر سپاه بزرگ عباسی تنها ماند و هیچ کس با او همراهی نکرد. یحیی و علی بن خزرج و گروهی که در انتقال حضرت معصومه علیها السلام به قم دخالت داشتند، به دست علی بن هشام کشته شدند.

بین شعر دعبل در هجو مردم قم، و کلام زکریا بن آدم در مورد اطرافیان خود در قم، ۱۴۵ رابطه‌ای می‌توان دید. زکریا بن آدم به امام رضا علیه السلام نوشت : نادانان در اطراف من زیاد شده‌اند.

آثار مخرب بحران خراج و بحران قدرت، و فساد ناشی از تنش‌های آن،

وضع فلاکت باری را در این منطقه به وجود آورد و زندگی عادی مردم مختل شد. مسعودی به شیوع وبا و قحطی در سال ۲۰۴ قمری در شهرهای مشرق و خراسان و جاهای دیگر اشاره دارد. ۱۴۶ ابن جوزی می‌نویسد: مردم اصفهان و خراسان و ری دچار قحطی شدند و مرگ همه جا را فرا گرفت. ۱۴۷

دولت عباسی سیاست قدرتمندانه‌ای را برای مهار قم اتخاذ کرد. با وجود این، مقاومت قم در برابر خلافت عباسی همچنان ادامه داشت. شهادت امام رضاعلیه السلام توسط مأمون، خشم مردم قم را برانگیخت. دعبل، در میان دوست‌داران اهل بیت در قم قصیده‌ای در رثای امام رضاعلیه السلام سرود. ۱۴۸ دعبل، در حدود سال ۲۲۰ قمری نیز از قم ابیاتی را برای هشتمین خلیفه‌ی عباسی، معتصم، جانشین مأمون، فرستاد و او را هجو کرد و سگ نامید. ۱۴۹

متوکل (د: ۲۴۷ق)، امام علی بن محمد علیهما السلام را، به دلیل

اموالی که برای او از قم می‌رسید، از مدینه به سامرا فراخواند. ۱۵۰ تا زمان مکتفی (د: ۲۹۵ق)، مردم قم از پذیرش قضات خودداری می‌کردند ۱۵۱ و قضا در قم به تراضی مردم بود. ولات و قضات بیگانه پیوسته در برخورد و تصادم با مردم قم بودند. قاضی اصطخری (د: ۳۱۸ق)، به دلیل قضاوت مخالف با رأی مردم قم، شبانه از آنجا فرار کرد. ۱۵۲ شکایت دایم مردم قم از ستم والیان، تأثیری جز تعویض آنها نداشت. با وجود همه‌ی اقدامات نظامی و سیاسی دولت بغداد، هیچ گاه قدرت سیاسی در قم، به نفع دولت عباسی، در يك جا متمرکز نشد؛ بلکه این قدرت بین والی و عامل خراج و اعراب استقلال‌طلب و بزرگان مجوس و بزرگان علوی و نقیب طالبیان تقسیم می‌شد. تاریخ قم از ملاقات رؤسای قم با والی قم یاد کرده که نشان می‌دهد تا پایان قرن سوم قمری قدرت سیاسی در قم فاقد تمرکز و متشنج بوده است. ۱۵۳

## اوضاع اجتماعی قم:

قم را همواره شهری پرجمعیت دانسته‌اند. چنان‌که اشاره شد، قم شهری در حال تبدیل از بافت «روستا - شهر» به يك شهر بزرگ بود؛ لذا تخمین آمار ساکنان قصبه قم و رساتیق اطراف آن، دشوار است. مردمی از عرب و عجم در آن جا زندگی می‌کردند، غلبه‌ی جمعیتی با عرب بود و امور شهر به دست آنها اداره می‌شد. ۱۵۴ ابن ندیم، در معرفی کتاب طبقات ابن سعد می‌نویسد: ابن سعد از طبقات مردم قم یاد کرده است ۱۵۵ که گفته‌ی او حکایت از وجود دسته‌جات مختلفی از مردم و بافت ناهمگون این شهر در آغاز قرن دارد. دعبل در شعر خود ترکیب جمعیتی قم را به نسبت مساوی از عرب و عجم دانسته است.

مَایِنَ عِلْجٍ قَدْ تَعَرَّبَ فانتمی

او بین آخر مُعَرَّبٍ مُسْتَعْلَجٍ

بین کافری که نسب عربی پیدا کرده است

و عربی که شیوهی کافر پیشه کرده است ۱۵۶

دعبل از گرفتاری خود بین کافر، یعنی مجوسی که نسب عربی پیدا کرده

است، و بین عربی که نسب مجوسی پیدا کرده، سخن گفته است. از

مفهوم شعر او چنین استنباط می‌شود که نسل جدیدی از آمیزش عرب و

عجم وجود داشته است. جاحظ نیز از این نسل جدید با عنوان

«بنوی» ۱۵۷ یاد کرده است. برخی از اسامی مردم قم می‌تواند گواهی بر

این اختلاط نژادی باشد. نجاشی از حسن بن خُرزاد قمی، صاحب کتابی

در فقه است. ۱۵۸ جاحظ به ترکیب جمعیت ناحیهی خراسان و ناحیهی

جبال اشاره نموده است. ۱۵۹ او تحت عنوان افراد جندالخلافة از

خراسانی، ترکی، عربی، مولی و «بنوی» نام برده است. لسان العرب در

مورد مفهوم واژهی بنوی می‌نویسد: این لغت به صورت، ابناوی و بنوی و

در دو معنا به کار رفته است: به طور عام، ابناء فارس، گروهی از فرزندان

فارس بودند که از آمیزش با عرب به وجود آمده بودند و به طور خاص،

فرزندان ایرانیانی بودند که، در یمن، با عرب آمیزش نموده بودند. ۱۶۰ در

فهرست تاریخ قم به وجود افرادی از یهود و ترسایان اشاره شده

است ۱۶۱ این افراد همراه با مجوس در فهرست اهل ذمه ی قم

بوده‌اند. ۱۶۲

با توجه به مطالب مذکور، اعراب عمده‌ترین طبقات مردم قم بودند. گروه

کثیری از مجوس و اقشار عمده‌ای از موالی و وابستگان عرب و موالی و

وابستگان ائمه‌ی شیعه‌علیهم السلام و نسل جدیدی که پدر یا مادر آنها

ایرانی بودند نیز در کنار آنها زندگی می‌کردند. معرفی مختصر این اقشار به

قرار زیر است:

## ۱. مجوس

مجوس مردم بومی قم بودند که گروهی از آنها اسلام آوردند و گروهی

به دین سابق خود باقی ماندند و به حاکم قم جزیه پرداخت می‌کردند.

یعقوبی می‌نویسد: گروهی از عجم‌های کهن در قم زندگی می‌کنند. ۱۶۳

گروهی از مردم بومی در دواوین بزرگی که در قم دایر بود، مشغول به کار

بودند. منابع متعدد از «قرية المجوس» نام برده‌اند. اصطخری از آن با نام «دیه‌گبران» یاد کرده است. ۱۶۴ ادریسی، می‌نویسد: در این قریه قومی از مجوس زندگی می‌کنند. این قریه به فاصله يك مرحله از قم قرار داشت. ۱۶۵

## ۲. موالی

موالی بنی عباس در نقاط مختلف منطقه‌ی جبال سکونت داشتند. یعقوبی می‌نویسد: در قم گروهی از موالی به سر می‌برند که خود را موالی عبدالله بن عباس می‌دانند. ۱۶۶ وجود سیاه‌جامگان و موالی بنی‌عباس در قم مانعی در برابر شیوع اندیشه‌ی محمره بود. ریّان بن شیبیب، دایی معتصم، در قم سکونت داشت. او با مردم قم مراوده داشت. ۱۶۷ گروه‌های دیگری از موالی نیز در قم زندگی می‌کردند.

## ۳. اعراب

عرب بنی اسد، آل عبدالعزیز بن دلف، آل عجل و اعراب اشعری، مهم‌ترین



دسته‌جات عرب ساکن قم بودند. یعقوبی می‌نویسد: عرب آل مَدْحَج و اشعری در قم سکونت دارند. ۱۶۸ اصطخری ساکنان شهر قم را عرب اشعری می‌داند. ۱۶۹ بزرگ‌ترین دسته‌ی عرب، یعنی عرب اشعری، نقش مهمی در اداره‌ی امور قم به عهده داشتند و مدت طولانی، مسئولیت‌های مهمی چون ریاست قم و وظیفه‌ی جهبذ [واسطه در امر خراج] را در اختیار گرفتند. گروهی از آنها به عنوان علما و فقهای بزرگ، وکلای بین مردم قم و ائمه‌علیهم السلام بودند. نجاشی از احمد بن اسحاق بن عبدالله (ابوعلی قمی)، به عنوان وافداً القمیین نام می‌برد. ۱۷۰ ۱۲ نفر از اولاد سعد بن عبدالله بن مالک بن عامر اشعری، از راویان احادیث امام جعفر صادق‌علیه السلام بودند. ۱۷۱ گروهی از آنها در رواج تشیع در قم نقش اساسی داشتند. برخی از آنها نقش واسطه‌ی بین خلافت عباسی و مردم قم را داشتند و زمینه‌ی استقرار نهایی عرب در قم را فراهم ساختند و برای مطیع ساختن مردم قم در برابر خلافت عباسی و تأمین اهداف این

دولت تلاش می‌کردند. مؤلف تاریخ قم می‌نویسد: آنها بیش از ۲۸۰ سال در قم نپاییدند. ۱۷۲ تعدادی از فرزندان ائمه‌علیهم‌السلام نیز که به قم مهاجرت کردند، از چهره‌های شاخص اعراب در قم بودند.

گزارش تاریخ قم نشان می‌دهد که طبقه‌ای از اشراف عرب در قم به

وجود آمد که جایگزین طبقه‌ی اشراف عجم شد؛ ۱۷۳ از جمله افراد این

طبقه، علی بن عیسی اشعری است که دعبل، در سفر خود به قم، او

را هجو کرد و ولایت او را خالص ندانست. ۱۷۴ تجمع و استقرار اعراب

مهاجر در قم، زمینه‌ی ایجاد بحران بزرگی علیه خلافت عباسی شد.

**بحران ناشی از خروج طالبیان و مهاجرت آنها به قم:**

یک دهه بعد از اقدامات شکست‌خورده‌ی دولت عباسی در قم، موج

جدیدی از مهاجرت طالبیان به قم آغاز شد. طالبیان در پی شکست

قیام‌های متعدد علویان در کوفه، مدینه و مکه (قیام ابوالسرایا، ابن

طباطبایا، زیدالنار، ابراهیم بن موسی بن جعفر، سلیمان بن داوود در ۱۹۹ قمری

و قیام دیباج، ابن‌الافطس، محمد بن جعفر در ۲۰۰ ق و...)، از این بلاد طرد

شدند. ۱۷۵ ابن مسکویه، سال ۲۰۰ قمری را سال طرد علویان از عراق

دانسته است. ۱۷۶ منابع متعددی بر دسیسه‌ی کارگزاران ایرانی در

چالش‌های آغاز قرن سوم و نقل و انتقالات طالبیان اشاره دارند. ۱۷۷

هجوم گروه‌های جدیدی از علویان به قم، که همزمان با سفر حضرت

معصومه علیها السلام به قم صورت گرفت، ۱۷۸ میزان مقاومت و مخالفت

مردم قم با دولت عباسی را تشدید نمود و در مدت کوتاهی قم دژ امن

همه‌ی مخالفان دولت عباسی شد. گویا دسته‌هایی از مردم قم در

قیام‌های علویان شرکت می‌کرده‌اند؛ چنان‌که سپاهی از قم در قیام

ابوالسرایا، در ۱۹۹ قمری، شرکت نمود. ۱۷۹

## ورود فرزندان ائمه‌علیهم السلام به قم:

در آغاز قرن سوم قمری، جمع بزرگی از فرزندان ائمه‌علیهم السلام از

شهرهای بغداد، مدینه، مکه، کوفه، نصیبین، همدان، اصفهان و... طبق

توصیه‌های ائمه‌علیهم السلام به قم مهاجرت کردند. کتب انساب و بعضی

از تواریخ، گزارش‌های مبسوطی از ورود طالبیان به قم دارند و گروه‌های مختلف سادات، مانند سادات موسوی، ۱۸۰ سادات حمزه‌ای، ۱۸۱ سادات حسینی، ۱۸۲ سادات عمری، ۱۸۳ سادات شجری ۱۸۴ و... را ذکر کرده‌اند. ۱۸۵ فهرست نام برخی از ایشان را که تا قبل از سفر حضرت معصومه علیها السلام، در قم سکنی گزیده بودند، به طور نمونه، ذکر می‌کنیم: فرزندان محمد بن حنفیه، ۱۸۶ فرزندان عمر بن الافطس، ۱۸۷ فرزندان عمر بن علی بن ابی طالب، ۱۸۸ اعقاب فاطوسه، ۱۸۹ اولاد علی العریضی بن صادق، عموی امام رضا علیه السلام ۱۹۰ اولاد عبدالله بن باهر بن علی بن حسین علیه السلام، ۱۹۱ فرزندان حسین اصغر ۱۹۲ فرزند امام سجاد علیه السلام، اولاد قاسم بن علی بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب که هارون او را از حجاز فراخواند و به حبس افکند. ۱۹۳

## سفر حضرت معصومه علیها السلام:

حسن بن محمد بن حسن قمی می‌نویسد: فاطمه‌ی معصومه علیها السلام، به سال ۲۰۱ قمری از مدینه بیرون آمد و مسیر کاروان در ساوه به علت بیماری حضرت معصومه علیها السلام به طرف قم تغییر کرد و تنها با استقبال موسی بن خزرج، وارد قم شد. ۱۹۴ هفده روز بعد حضرت معصومه علیها السلام، در قم وفات کرد؛ گویا آگاهی از تغییر سیاست دولت عباسی مانع از حضور سایر اعراب اشعری در استقبال از حضرت معصومه علیها السلام شد.

در بررسی گزارش‌های متفاوتی که در مورد سرنوشت کاروان حضرت معصومه علیها السلام ذکر شده است، باید گفت: ورود حضرت معصومه علیها السلام به ناحیت قم، با تغییر سیاست مأمون نسبت به طالبیان همراه شد. مأمون بعد از شهادت امام رضاعلیه السلام، به سال ۲۰۲ قمری ۱۹۵ طی نامه‌ای به بنی‌عباس و موالی آنها در بغداد، از آنها

استمالت نمود و پایان سیاستِ گرایش به علویان را اعلام کرد. و سیاست سابق دولت عباسی در قتل عام شیعیان و سرکوب طالبیان را رویه‌ی ثابت خود قرار داد. ۱۹۶. برخورد نظامی با کاروان حضرت معصومه علیها السلام، در این شرایط امری طبیعی بود؛ چون کارگزاران دولت عباسی در منطقه‌ی جبال مأموریت داشتند هرگونه حرکت علویان را کنترل کنند. با توجه به مطالب مذکور، با تکیه بر قراین مسلم خارجی می‌توان دریافت که نظر منابعی که به نحوی شهادت حضرت معصومه علیها السلام را گزارش کرده‌اند، این است که به هر صورت، این هجرت شکل طبیعی نداشته است؛ زیرا کاروان حضرت معصومه علیها السلام مسیری را انتخاب کرد که حرکت امام رضا علیه السلام از آن مسیر ممنوع شده بود. حرکت کاروان حضرت معصومه علیها السلام از این مسیر و ورود آن حضرت به قم، که مرکز تجمع مخالفان دولت عباسی بود، به منزله‌ی فرار این کاروان از مدینه به قم بوده است. با این وصف، می‌توان گزارش کتاب تاریخ قم، مبنی بر وفات حضرت معصومه علیها السلام در اثر بیماری را، حمل بر

موضوع محافظه‌کارانه‌ی غالب اشعریان نمود که سعی در حفظ رابطه با دولت عباسی داشتند؛ و نویسندگی کتاب تاریخ قم، خود یکی از اشعریان بوده است.

## منابع :

- آندره، گدار، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم (تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱).
- تاریخ دمشق (بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۵م).
- دایره جغرافیایی، فرهنگ جغرافیایی ایران استان مرکزی (تهران، ۱۳۲۸).
- حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام (تهران، جاویدان، ۱۳۶۶).
- سایت ([http://www.shareh.com/persian/magazine/tarikh\\_i/14/02.htm](http://www.shareh.com/persian/magazine/tarikh_i/14/02.htm))

تهیه و تنظیم: علی تمیمی (۸۸۴۳۱۱۲۸)